



در روز ۱۲ ژوئن ۱۹۴۱ در بحبوحه جنگ جهانی دوم پس از دیداری که میان سران سه کشور ایالات متحده آمریکا، کشورهای اتحادیه بریتانیا (انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی) و اتحاد جماهیر شوروی [پیشین] انجام شد، بیانیه ای که "اعلامیه لندن" نام گرفته است در کاخ سن جمیز صادر شد که پسامد و نتیجه آن، دیدار خصوصی چرچیل و ژوزف استالین

و بسته شدن پیمان نظامی میان بریتانیا و شوروری (۱۲ ژوئیه ۱۹۴۱) و سپس صدور بیانیه جهانی "منشور آتلانتیک" (۱۴ اوت ۱۹۴۱) بود.^{[[1]]} منشور آتلانتیک که دیرتر منجر به "اعلامیه ملل متحد" و پیاسازی سازمان ملل [باصطلاح] متحد شد، دارای هشت اصل بود که نه تنها پیمانی برای رویارویی با آلمان نازی، بلکه چشم اندازی برای جهان پس جنگ جهانی دوم برای آن سه کشور بشمار می رفت.

این منشور بر پایه هشت اصل از سوی دو کشور دستینه شده است:^{[[2]]}

۱. دو کشور آمریکا و انگلیس به هیچ روی قصد افزایش خاک یا غیره [نفوذ] ندارند؛

۲. هر دو کشور مخالف هر گونه تغییرات مرزی می باشند که با موافقت آزادانه ملت های مربوطه انجام نشود؛

۳. این دو کشور آمریکا و انگلیس حق هر ملت را در گزینش نوع نظامی که برای خود مناسب بینند محترم شمرده و امیدوارند ملت هایی که اکنون بزور از حقوق و حاکمیت و استقلال محروم شده اند از نو این حقوق را بدست آورند؛

۴. این دو کشور با رعایت تعهداتی که اکنون بر گردن گرفته اند خواهند کوشید برای هر ملتی کوچک یا بزرگ، غالب یا مغلوب بطور برابر حق شرکت در بازرگانی جهانی و دسترسی به کلیه منابع مواد اولیه که برای رفاه اقتصادیشان لازم است

تأمین گردد؛

۵. این دو کشور مایلند تمام کوشش های خود را بکار برند تا کلیه ملت ها بتوانند در زمینه □ امور اقتصادی با یکدیگر همکاری کامل نمایند و برای همه شرایط کار بهتر و ترقی اقتصادی کاملتر و امنیت اجتماعی بیشتر فراهم گردد؛

۶. ایندو کشور امیدوارند پس از انهدام کامل اصول بیدادگری نازی صلی برقرار گردد که در پرتو آن کلیه ملت ها بتوانند در درون مرزهای خویش به آرامش بسر برده و مطمئن باشند که کلیه مردم عموم کشورها خواهند توانست دور از ترس و نیازمندی به زندگی خویش ادامه دهند؛

۷. در چنین صلی باید همه کس حق داشته باشند در اقیانوس ها و در دریاهای آزاد مسافرت کنند؛

۸. این دو کشور بر این باورند که کلیه ملت های جهان به علل معنوی و مادی باید دست از اعمال زور بردارند و تا زمانی که یک ملت بتواند نیروهای زمینی و دریائی و هوائی خود را به منظور یورش به کشورهای برون از مرزهای خویش بکار برد، هیچ صلی در آینده پابرجا نخواهد ماند.

هر چند که این منشور و هشت اصل آن، در ظاهر سخن از جهانی می زد که در جهانیان بایستی در آرامش و دوستی بر پایه

های احترام و انسانیت بسر بردند،^{[[2]]} ولی در اصل و در پشت صحنه، نقشه‌ی راهی شد برای تبدیل آمریکا به یک امپراتوری بود که امروزه جهان شاهد زورگویی‌ها، ستمگری‌ها و زیاده‌خواهی‌های آن کشور می‌باشند، که البته پوشاکی زیبا و فریبنده‌ای نیز بر تن دو استعمار بریتانیا و شوروری پوشانده شد؛^{[[3]]} که نخستین قربانی آن ایران رضاشاهی بود. در روز ۲۵ اوت ۱۹۴۱، دقیقاً یک ماه پس از دیدار چرچیل و استالین، ایران بیطرف مورد یورش نیروهای روس و بریتانیایی قرار گرفت و نه تنها ایران را به اشغال خود در آوردند بلکه به برنامه‌های ترقی خواهانه و پیشروی رضاشاه بزرگ که توانست ایران را در طی ۱۶ سال پادشاهی، از یک کشور عقب مانده قرون وسطایی، غرق در بیماری و خرافات و بی‌سوادی، وارد عصر نو سازد، پایان دادند.

باری، چیزی که مسلم است، "نفت" و سیاست‌های پسامد آن، از جمله "دلار نفتی" در صدور آن منشور آتلانتیک نقش مهمی را ایفا کرد که به‌مراه چهار پیام آزادی روزولت، که دقیقاً برای فریب ملت‌های جهان، بویژه آسیای غربی در منشور سازمان ملل متحد گنجانده شده بود، دست‌آزاری شد تا استعمار کهن را با شیوه‌های نو و بیاری کارشناسان سیاسی و اقتصادی خود باجرا گذارند و در هشتاد سال گذشته همه کشورهای کوچک و بزرگ بهای زیاده‌خواهی آنان را با جان و هستی خود می‌پردازند، از جمله ایران که با اشغال بدست نیروهای خونخوار بریتانیایی، روس و آمریکایی و سرنگونسازی رضاشاه بزرگ از تاج و تخت ایران و تبعید او به یکی از مستعمرات بریتانیا آغاز و با توطئه و برپاسازی یک انقلاب مهندسی شده در ایران در سال ۱۹۷۸ و سرنگونی نظام شاهنشاهی و بقدرت رساندن رژیم بنیادگرای اسلامی السید روح‌الله خمینی وابسته به بریتانیا^{[[4]]} که در چهار دهه گذشته همواره از سرنگونی آن جلوگیری کرده اند تا منافع غرب را در منطقه متضمن شود ادامه پیدا کرده است.

اکنون پس از گذشت هشتاد سال از صدور منشور آتلانتیک ۱۹۴۱، همچون آشناپنداری × (vu Déjà) سیاسی است که در حال تکرار شدن می‌باشد. این بار منشور آتلانتیک نو که توسط جو بایدن و بوریس جانسون،^{[[5]]} بعنوان "جهان پسا کووید" در روز ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱ ارائه شده است، ولی این بار نه آلمان نازی، بلکه چین جایگزین آن شده است - و همانند چرچیل که با استالین دیدار خصوصی داشت و یک ماه پس از آن ایران با اشغال در آمد، نیز بوریس جانسون با ولادیمیر پوتین، دیدار خصوصی داشته اند که مفاد حقیقی آن اعلام نشده است. البته این بار ایران همانند سال ۱۹۴۱ اشغال نمی‌شود، زیرا نه تنها ۴۲ سال است که ایران را در اشغال و ملت ایران را در اسارت خود دارند، بلکه اشغال ایران در آن زمان برای بریتانیا همچون یک مساله - شخصی و یک انتقام سیاسی از رضاشاه بزرگ بود؛ - انتقام، نخست بخاطر بیرون انداختن نیروهایش از ایران که طرح آن کشور در تشکیل مستعمره نوینی به نام "ایران جنوبی" را با شکست روبرو ساخت^{[[6]]} و سپس برداشتن نخستین گام در ملی سازی نفت ایران،^{[[7]]} که پس از هشتاد سال، هنوز مزه تلخ آن در دهانشان زنده و سُرخی جای سیلی - دستان نیرومند و ایرانپرستانه رضاشاه بزرگ بر صورتشان دیده می‌شود.

در هر روی، با این دیدارها و منشور نو و نیز دیدار ۱۶ ژوئن جو بایدن با پوتین در ژنو^[۸] بدور دیده نمی شود که بایستی در انتظار تغییرات کلی در جهان بویژه در خاورمیانه باشیم که در چند هفته آینده نخستین پیش لرزه های آن احساس خواهد شد.

چه باید انتظار داشت؟

امروزه با رفع وابستگی غرب بویژه دلار به نفت و نیز جایگزینی آن با انرژی تجدیدپذیر و دیجیتالی شدن جهان، خاورمیانه برای غرب نه تنها دیگر ارزش گذشته را ندارد، بلکه هر روزی که می گذرد تبدیل به استخوان لای زخمی شده است که بایستی به هر شیوه ای که شده، در دسرهاش را از سر خود دور کنند؛ - ناگفته نماند که تا چند دهه آینده با افزایش گرمایش زمین و نابودی کل آب های زیر زمینی که یکی از علل آن بخاطر بی اهمیت بودن محیط زیست است، سراسر منطقه از جمله ایران تبدیل به دشت و شنزاری بی آب و علف خواهد شد که مردمانش در آینده ای نه چندان دور، یکدیگر را برای قطره ای آب، تکه پاره خواهند ساخت.

در نتیجه، این تغییرات چون هزینه اش برای غریبان بمراتب بیشتر از سود آن می باشد، می تواند یا به پایان رژیم های استبدادی جمهوری اسلامی، خاندان سعود و رجب اردوغان به شکل امروزی و بازگشت صلح کنترل شده که افسار آن از سوی غرب به دست روسیه به بهای شکستن خط اتحاد مسکو-پکن است سپرده شود سرانجامد؛ - یا به جنگ های درونی خانمانسوز و تجزیه آن کشورها به ایجاد کشورک های کوچک و خرد که همواره درگیر با یکدیگر بر سر آب یا مسایل دیگری می باشند. البته، مشکلی که غریبان بویژه آمریکا در اجرای منشور آتلاتیک نو در خاورمیانه با آن روبرو می باشد، اسرائیل و روسیه است.

در وهله نخست بقای اسرائیل، بستگی به ادامه تنش ها و جنگ دارد که بقای رژیم جمهوری اسلامی آن را تامین می سازد. بنابراین، چون اسرائیلی ها نیازمند پشتیبانی بیدریغ مالی و نظامی آمریکایی ها می باشند، بایستی به هر شیوه ای که شده است از ترک آن جلوگیری کند - از جمله قرار دادن آمریکایی ها را در برابر یک عمل انجام شده که آغاز یک جنگ تمام عیار با ایران می تواند باشد. فراموش نشود، که جمهوری اسلامی بر عکس باور عام و تبلیغات گسترده رژیم روضه خوانان، نوکر اسرائیل می باشد.^{[[9]]} مشکل دوم روسیه است که به گمان زیاد با دخالت ناتو انجام خواهد شد. ناتو از سال ۲۰۱۴ تا به امروز همواره سرگرم تعلیم دادن ارتش اوکراین و آماده سازی آنان در برابر روسیه بوده است و این مساله به تنهایی نشان می دهد، آمریکایی ها جنگ نیابتی با روسیه را در اوکراین اجرا خواهند گذارد - دیگر مهم نیست که چند در صد از اوکراینی ها قربانی سیاست های غربی خواهند شد.

پیمان آتلانتیک نو و ایران

در مقاله ای که این نگارنده چهار ماه پیش تحت عنوان "جو بایدن و پیشه کردن سیاست 'هویج و چماق' در رویارویی با رژیم جمهوری استبداد اسلامی"^{[[10]]} نگاشته بود، پیش بینی کرده بودم که تاریخ انقضای رژیم روضه خوانان بسر آمده و شمارش معکوس برای جایگزینی آن با یک 'رژیم نو' یا 'تجزیه ایران' زده شده است و هر روزی که می گذرد، به اجرای آن نزدیک تر می شویم.

اگر به هشت اصل این پیمان توجه شود، بسیاری از نکات بویژه ذکر شده در شماره های ۲ و ۳، دو پهلوی تنظیم شده اند که در هر برهه زمانی آن دو کشور می توانند با سیاست های روز خود منطبق ساخته و اجرا گذارند.

نخست دو نکته کلیدی در این دو اصل که "تغییرات مرزی با موافقت آزادانه ملت های مربوطه انجام می شود" و "ملت هایی که اکنون بزور از حقوق و حاکمیت و استقلال محروم شده اند از نو این حقوق را بدست آوردند" می باشد.

ایران یکی از انگشت شمار کشورهای کهنسال در جهان است که داری کهنترین ملت نیز می باشد. "ملت ایران" کنونی ایران وارث ملتیت که از زمان هخامنشیان و پس از آمیزش سه تیره بزرگ ایرانی، مادها، پارس ها و پارت ها بوجود آمده بود و پس از گذشت ۲۵۰۰ سال آمیزش آن چنان در یکدیگر ادغام شده اند که دیگر هیچ ایرانی نمی تواند خود ماد، پارس یا پارت بخواند. ولی با آمیزش این سه تیره ایرانی که ازدیدی ژنتیکی و تاریخی از یک نژاد می باشند، بخاطر پهناوری کشور و یورش های گوناگون بیگانگان، چندین زبان و گویش پدیدار شده است که بهترین نمونه آن زبان ترکی در استان های آذربایجان شروی، غربی و اردبیل می باشد که نژاد ایرانیست ولی زبان ترکی و بیگانه. [11] در نتیجه، در چهار دهه گذشته، بیگانگانی که بدنبال ایرانستان سازی ایران بوده او هستند بر اساس طرح برنارد لوئیس، با همیاری مستقیم رژیم جمهوری اسلامی و حقوق بگیران خود در ایران، با سواستفاده از این تلون گویشی، دستی به مرزبندی های گوناگون زده اند. این عده در وهله نخست دست به ساخت "اقوام ایرانی" زدند که بتدریج واژگان سیاسی دیگری در کنار آن ساخته شده است از جمله "اقوام در ایران" و "ملت های ایرانی" و در چند سال گذشته "ملت ها/ملیت ها در ایران".

بنابراین، در روزی که واپسین گام برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک رژیم دیگر برداشته می شود، ایران دستخوش یک انقلاب خونین و مهندسی شده دیگری خواهد شد. زیرا که رژیم روضه خوانان و اراذل و اوباش مذهبی برای جلوگیری از سرنگونی، دست به خشونت های بیشتر و کشتار معترضین خواهند زد. در چنان زمانی سیاست آمریکا در "تغییر رژیم" مبدل به "جنگ درونی" و ایرانستان خواهد شد و با سواستفاده از کلید واژه "ملت ها" در منشور خود، ایران را یک کشور کثیرالملل معرفی کرده و اعلام می دارند که این ملت ها در ایران حق انتخاب سرنوشت را دارند. برای جلوگیری از این مساله، اپوزیسیون ها و مردم ایران بایستی به هر بهایی که شده است در چنان روزی، از هر گونه درگیری مسلحانه خودداری کنند تا آمریکایی ها سوریه دیگری را در ایران بیانسازند.

باری، حتی اگر هم جنگ درونی در ایران شکل نگیرد و آمریکایی ها بیاری بریتانیا یک رژیم دیگری را در ایران بقدرت رسانند، وضعیت ایران بمراتب وخیم تر از کشورهای همسایه بویژه دو کشور ترکیه و عربستان خواهد بود. زیرا که رژیم جمهوری اسلامی در ۴۲ سال گذشته به نیابت بیگانگان و شوربختانه با همیاری و سکوت اکثریت ملت عرب زده و غرب زده [11] سرگرم تبدیل ایران به شنزارهای نجد و حجاز ۱۴۰۰ سال پیش بوده است ولی ترکیه و عربستان از هر لحاظی

چه اقتصادی، صنعتی، علمی و نظامی پیشرفت داشته و خود را به عصر نو رسانده اند.

پایان سخن

هر رخداد ناگواری که برای ایران رخ دهد، گنهکار اصلی خود ملت ایران می باشد که در چهار دهه گذشته هر خواری و ذلتی که رژیم بر آنان روا داشته است پذیرفته و با تکرار و ترجیح دادن مصالح و منافع شخصی بر مصالح و منافع همگانی و ملی، با رژیم در خواری خویش همکاری کرده اند، که بهترین نشانه آن، شراکت آنان در سیرک ها و تعزیه های رای گیری انتصابات قصابان محبوب خودشان بوده است.^{[[12]]}

به هر رو، برای غرب زمان تغییر میدان جنگ و استعمار از خاورمیانه به خاور دور فرا رسیده است، بویژه آنکه چین بزرگترین خطر برای موجودیت نه تنها آمریکا بلکه کل کشورهای غربی است - خطری به مراتب بزرگتر از آلمان نازی و روسیه کمونیست بر روی هم - که باید همه نیروهای خود را معطوف مهارسازی آن نمایند.

شاپور سورنپهلو

روز دی بدین از ماه خرداد سال ۳۷۵۹ بهدینی

۲۱ خرداد ۲۵۸۰ شاهنشاهی

۱۱ ژوئن ۲۰۲۱ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: <https://3gwG84G/ly.bit/>

1 - <https://www.cfr.org/blog/remembering-atlantic-charter>

2 - هشت اصل منشور آتلانتیک ۱۹۴۱: (نه نقل قول از: "آینده" سال سوم آبان ۱۳۲۳ شماره ۳)

۱. دو کشور آمریکا و انگلیس به هیچ روی قصد افزایش خاک یا غیره [نفوذ] ندارند؛

۲. هر دو کشور مخالف هر گونه تغییرات مرزی می باشند که با موافقت آزادانه ملت های مربوطه انجام نشود؛

۳. این دو کشور آمریکا و انگلیس حق هر ملت را در گزینش نوع نظامی که برای خود مناسب بینند محترم شمرده و امیدوارند ملت هایی که اکنون بزور از حقوق و حاکمیت و استقلال محروم شده اند از نو این حقوق را بدست آورند؛

۴. این دو کشور با رعایت تعهداتی که اکنون بر گردن گرفته اند خواهند کوشید برای هر ملتی کوچک یا بزرگ، غالب یا مغلوب بطور برابر حق شرکت در بازرگانی جهانی و دسترسی به کلیه منابع مواد اولیه که برای رفاه اقتصادیشان لازم است تامین گردد؛

۵. این دو کشور مایلند تمام کوشش های خود را بکار برند تا کلیه ملت ها بتوانند در زمینه امور اقتصادی با یکدیگر همکاری کامل نمایند و برای همه شرایط کار بهتر و ترقی اقتصادی کاملتر و امنیت اجتماعی بیشتر فراهم گردد؛

۶. این دو کشور امیدوارند پس از انهدام کامل اصول بیدادگری نازی صلی برقرار گردد که در پرتو آن کلیه ملت ها بتوانند در درون مرزهای خویش به آرامش بسر برده و مطمئن باشند که کلیه مردم عموم کشورها خواهند توانست دور از ترس و نیازمندی به زندگی خویش ادامه دهند؛

۷. در چنین صلی باید همه کس حق داشته باشند در اقیانوس ها و در دریاهای آزاد مسافرت کنند؛

۸. این دو کشور بر این باورند که کلیه ملت های جهان به علل معنوی و مادی باید دست از اعمال زور بردارند و تا زمانی که یک ملت بتواند نیروهای زمینی و دریائی و هوائی خود را به منظور یورش به کشورهای برون از مرزهای خویش بکار برد، هیچ صلی در آینده پا بر جا نخواهد ماند.

3 - ناگفته نماند که منشور آتلانتیک، عملاً نخستین سنگ "جهانیگرایی نو" (گلوبالسیم نو) یا استعمار نو در قالب "استثمار پنهانی" را پایه گذارد.

4 - سورنپهلو، شاپور "از توطئه تا انقلاب مهندسی شده: چرا و چگونه بریتانیا، آمریکا، فرانسه و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟"

5 - <https://edition.cnn.com/2021/06/10/politics/new-atlantic-charter/index.html>

6 - سورنپهلو، شاپور "بازخوانی تاریخ: سالروز بیرون انداختن نیروهای انگلیسی از ایران بدستور سردار سپه و شکست طرح تشکیل مستعمره □ نویی به نام "ایران جنوبی" - <https://bit.ly/3iBjbAj>"

7 - سورنپهلو، شاپور "بمناسبت سالروز ملی شدن صنعت نفت ایران"

8 – Biden, Putin set to meet in 18th-century Swiss villa for summit –
<https://www.reuters.com/world/biden-putin-set-meet-18th-century-swiss-villa-summit-2021-06-09>

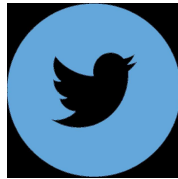
9 – سورنپهللو، شاپور، "رژیم روضه خوانان در خدمت اهداف صهیونیسم جهانی: از به رسمیت شناختن غیررسمی اسرائیل تا همکاری همه جانبه پنهانی!"

10 – سورنپهللو، شاپور، "جو بایدن و پیشه کردن سیاست "هویج و چماق" در رویارویی با رژیم جمهوری استبداد اسلامی" –
<http://bit.ly/2ZdD1q7>

11 – یحیی ذکا، "زبان ترکی چرا و چگونه به آذربایجان راه یافت؟" – <https://bit.ly/34ihb>

12 – سورنپهللو، شاپور "رژیم نوقاجاری روضه خوانان، هوده □ ۱۳۷۲ سال "موالی گری" در ایران"

13 - سورنپهللو، شاپور "رژیم استبداد و مردم زودباور: سیرک و تعزیه ای به نام انتخابات ریاست جمهوری"



#419ab3

